

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آله الطاهرين

جلسه نهم؛ ۱۴۰۲/۰۷/۱۷ فقه العروة الوثقى (اجتهاد و تقلید) استاد علیدوست

در ارتباط با مباحث گذشته دو سؤال مطرح شده:

۱- عمل به احتیاط چون طریق قطعی است موجب برائت یقینی می‌شود، اما عمل به اجتهاد یا تقلید چون طریق ظنی است، یقین به برائت ایجاد نمی‌کند، بنابراین تقدم عمل بر احتیاط نه تنها مقدم است بلکه متعین است چون عمل به طریق قطعی مقدم بر عمل به طریق ظنی است. این در حالی می‌باشد که نتیجه بررسی‌های صورت گرفته تخییر مکلف در اجتهاد، تقلید و احتیاط است؟

در پاسخ به این اشکال گفته می‌شود، این اشکال جای تعجب دارد زیرا اگرچه اجتهاد و تقلید ظنی است اما پشتوانه علمی دارد و مفاد آن علمی می‌شود به همین منظور گفته شده: «ظنية الطريق لا تنافي علمية الحكم»^۱ پس گاهی راه ظنی است اما چون پشتوانه علمی دارد طریق علمی بوده و مفادش مانند مفاد قطع است. مثل خبر واحد که ظنی الطريق است اما چون پشتوانه علمی دارد مفاد آن علمی می‌شود. بلکه حسن احتیاط قابل انکار نیست.^۲

۲- اشکال شده است همانطور که در دوران بین تعیین و تخییر در صورتی که منشأ شک به غیر حجیت و اعتبار طریق بازگشت کند برائت جاری می‌شود و مشمول «رفع ما لا يعلمون» می‌گردد، در صورتی که هم که بازگشت شک به اعتبار و حجیت طریق است نیز می‌توان برائت کرد و «رفع ما لا يعلمون» را جاری دانست؟

در پاسخ گفته می‌شود؛ «رفع ما لا يعلمون» برای جایی است که قابلیت بیان برای شارع می‌باشد اما او بیان نمی‌کند، اما در جایی که قابلیت بیان نیست و شارع دخالت نکرده نمی‌توان برائت جاری کرد. پس در مواردی چون اطلاق مقامی اگر احراز شود که برای شارع قابلیت بیان بوده و در مقام بیان هم بوده است اطلاق مقامی ثابت می‌گردد و در شک در سایر قیود و موارد برائت جاری می‌شود اما اگر قابلیت بیان برای شارع نبوده یا شارع در صدد بیان نبوده است برائت جریان ندارد و مورد دوران امر بین تعیین و تخییر در احتیاط، اجتهاد و تقلید از جمله این موارد است.

مسألة ۴

«الأقوى جواز الاحتیاط و لو كان مستلزماً للتكرار و أمكن الاجتهاد أو التقليد».

۱. معالم الدين و ملاذ المجتهدين، ص ۲۷

۲. اشکال شده در جلسات قبل بیان گردید که کشف خلاف در احتیاط راه ندارد، اما متصور است که کسی مدتی را احتیاط کرده و بعد فهمیده که به غلط احتیاط می‌کرده است؟ در پاسخ گفته می‌شود که آنچه انجام می‌شده احتیاط نبوده بلکه توهم احتیاط بوده است.

در جلسه قبل بیان شد که بررسی مسأله در ضمن بررسی «مسأله ۲» انجام شده است، اما اینکه صاحب عروه این مسأله را آورده چون کتاب‌هایی نظیر عروه، تحریر، منهج و... کتاب‌های قانونی به حساب می‌آیند شایسته است در بیان قوانین به جای عبارات طولانی از عبارات متعدد کوتاه استفاده شود. بنابراین اشکالی بر بیان این مسأله نیست.

اما همانطور که در جلسه قبل بیان شد این مسأله با نظر محقق طباطبایی در «مسأله ۶» فصل الصلاة فی النجس متعارض است، چرا که ایشان در این مسأله به جواز احتیاط اگرچه مستلزم تکرار باشد و اجتهاد و تقلید هم ممکن باشد فتوا داده‌اند و این درحالی است که در «مسأله ۶» اگر کسی سه لباس دارد که یکی معلوم الطهاره و دو لباس دیگر مشتبّه باشد، جایز نمی‌دانند بدون غرض عقلایی احتیاط شود و در دو لباس مشتبّه دو نماز خوانده شود. بلیه اگر غرض عقلایی وجود داشته باشد (مثل آنکه نیاز دارد لباس را در جلسه‌ای مهم بپوشد که استفاده از آن منجر به کثیف شدن می‌شود) می‌تواند احتیاط نماید.^۳

برای رفع تضاد گفته می‌شود؛ احتیاط در زمانی که عنوان ثانوی چون لعب به امر مولا، از بین رفتن تذلل معتبر در عبادت، وسواس و... عارض شود، جایز نیست و ممکن است که فتوای ایشان در «مسأله ۶» ناظر به عروض عنوان ثانوی باشد و به همین جهت ایشان در ذیل مسأله به غرض عقلایی توجه داده‌اند که وجود غرض عقلایی بیان‌گر عدم وجود عنوان ثانوی محرم است. به همین جهت گفته می‌شود با توجه به وجود لباس معلوم الطهاره اگر نمازگزار در لباس مشتبّه احتیاط کند و دو نماز بخواند عنوان ثانوی عارض می‌شود. از این رو گفته می‌شود؛ فتوای ایشان در «مسأله ۴» ناظر به خود احتیاط بدون عروض عناوین ثانوی است که اگرچه مستلزم تکرار هم باشد جایز است.

دفاع از بزرگان کار پسندیده‌ای است مشروط بر آنکه بی‌جهت نباشد. از این رو گفته می‌شود:

اولاً آیا نماز در دو لباس مشتبّه با وجود لباس معلوم الطهاره بدون غرض عقلایی سبب عروض عناوین ثانوی محرم می‌شود؟! یعنی اگر کسی در دو لباس مشتبّه بدون غرض عقلایی دو بار نماز بخواند لعب به امر مولا کرده یا تذلل معتبر در عبادت را از دست می‌دهد؟! نهایت آنچه را که انجام این احتیاط بدون غرض عقلایی به همراه دارد، رفتار خلاف حکمت است نه عروض عناوین ثانوی.

ثانیاً آیا وجود غرض عقلایی سبب می‌شود تا امر غیر جائز، جایز گردد؟! یعنی بدون غرض عقلایی نمی‌تواند احتیاط کند اما با وجود غرض عقلایی احتیاط جایز می‌شود؟! نهایت وجود غرض عقلایی آن است که کار غیر حکیمانه را حکیمانه می‌کند. بنابراین در «مسأله ۶» گفته می‌شود؛ نماز خواندن در دو لباس مشتبّه و عمل به احتیاط جایز است اگرچه اولی نماز گذاردن در لباس معلوم الطهاره می‌باشد. قید الاولی در اینجا نه احتیاط استحبابی است نه احتیاط وجوبی و نه مستحب بلکه برای رها شدن از مخالفت مخالفین می‌باشد.

۳. اذا كان عنده الثوبان المشتبهان مع الثوب معلوم الطهارة لا يجوز له أن يصلی فیهما من دون غرض عقلایی بل كان الاقوی أن یصلی فی الثوب معلوم الطهارة.

با توجه به آنچه بیان شد پیشنهاد می‌شود به جای عبارت عروه در «مسأله ۴» این عبارت جایگزین شود:

«يجوز الاحتياط في نفسه^ه و لو كان مستلزماً للتكرار».

البته می‌توان عبارت بهتر ذیل را نیز بیان کرد:

و «يجوز الاحتياط حتى في فرض استلزامه التكرار ما لا يلزم منه محذور شرعي».

در ارتباط با «مسأله ۶» پیشنهاد می‌شود این عبارت جایگزین گردد:

«إذا كان عند المصلي الثوبان المشتبهان مع الثوب الطاهر يجوز له أن يصل في الثوبين المشتبهين بالتكرار».

در جلسه بعد «مسأله ۵» مطرح می‌شود^۱ که از این مسأله بحث شده است مبنی بر اینکه آیا در جواز احتیاط لازم است مجتهد یا مقلد باشیم؟ که بیان خواهد شد.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين

۴. عبارت «يجوز» در جایی به کار می‌رود که شک نداریم از این رو به جای «الاقوى»، از «يجوز» استفاده کردیم.

۵. در دفاع از صاحب عروه گفته می‌شود که «مسأله ۴» نظر به خود احتیاط دارد و در «مسأله ۶» نظر به عروض عنوان ثانوی دارد.

۶. «في مسألة جواز الاحتياط يلزم أن يكون مجتهداً أو مقلداً لأنّ المسألة خلافية».